

ایگارشسی

یا

خاندانهای حکومتگرایان

خاندان امینی

(۲)

بعد از برکناری و قتل امیر کبیر ، دایم مجد الملک میرزا آقاخان اعتماد الدوله (نصرالله نوری) صدراعظم میشود معلوم نیست مجد الملک در این زمان چه شرح انتقاد آمیز بتهران می نویسد که مؤتمن الملک (میرزا سعید خان انصاری) در ذیحجه ۱۲۶۸ باو پاسخ اندرز آمیزتندی می دهد این حرفهای بی معنی و اطوار خلاف وضع او را متزلزل میکند ، اسناد وزارت خارجه حاکیست که میرزا عباس نامی که بنظر نگارنده نباید جز عباس معاون الملک (قوام الدوله آشتیانی) نیای خاندان فروهر کس دیگری باشد میانجی او و دستگاه صدارت اعتمادالدوله نوری می شود وی اندکی بعد حق السکوت سیاسی می گیرد، مقام نیابت وزارت خارجه را احراز می کند و از کنسولی به معاونت وزارت میرسد .

دوره صدارت میرزا آقاخان نوری با آنچه سابقه دیرین کارگذاری به امپریالیسم زمان خوبی برای فعالیت جناحهای مختلف گوناگون بود بنا بر اسناد موجود انجمنهای سری سیاسی در این موقع دست بفعالیت زدند مدارک وزارت خارجه حاکیست که مجد الملک در زمره نخستین بنیاد گذاران این سازمان

بوده است سعید نفیسی مجدالملک را استاد و مرشد معرفی میکند معتقد است فرزندان رجال بزرگ از تربیت یافتگان و برآوردگان مکتب وی بوده اند ولی وقتی در ۱۲۷۸ ق. (۱۸۶۱ م.) این سازمان بهم ریخته میشود معمولا آنهائیکه در رأس هستند باید بیشتر آسیب ببینند ولی مجدالملک بدون کوچکترین بازخواست نه تنها بر سر کار خود باقی میماند بلکه سال بعد (۱۲۷۹) بعنوان حق السکوت خود به وزارت وظایف و اوقاف و فرزند نوزده ساله اش به معاونت وزارت خارجه میرسد (۱) فقط او به سال ۱۲۸۲ از کار برکنار میشود و پس از یک سال باز با پسرش به پستهای مهم خود برمیگردد.

گروهی از تاریخ نویسان و پژوهشگران معاصر درباره اندیشه نو و اصلاح طلبانه وی قلمفرسائی کرده او را مردی نقاد و نکوهشگر رژیم معرفی می نمایند، حال به بینیم او چرا در این یکسال از کار برکنار شده نتوانسته است با صدر اعظم همکاری کند.

محمود محمود مورخ نامور بهنگام اظهار نظر درباره وجود نفوذ استعماری و ضد ملی در ایران معتقد است: « در تمام مدت قرن نوزدهم میلادی جز پنج نفر که تمام مدت صدارت آنها به ده سال نمی رسد ایران از تحت نفوذ انگلیسیها برکنار نبود ۲، وی یکی از پنج نفر راه محمد سپهسالار معرفی میکند.

قربانی استعمار

ناصرالدین شاه گهگاهی از فساد و تباهی درباریان و رجال و نا رضایتی و خشم مردم و انتقادات بیگانگان سخت بینناک میشود برای کاهش فساد و احساسات مردم با روی کار آوردن مردی وطن پرست و اصلاح طلب در پیچه اطمینان را باز می کند، محمد سپهسالار اعظم یکی از شخصیت های توانا و نیرومند و ملی بود، ناصرالدین شاه بعد از اعتماد الدوله نوری دست بطرف او دراز کرد، او را بر کرسی صدارت نشاند.

میرزا محمدخان قاجار پسر امیرخان سردار پسر فتحعلی خان قاجار دولو همان سرداری بود که در سال ۱۲۷۴ بهنگام پیاده شدن قوای انگلیس بخاک وطن با آنان جنگید و بهمین جهت به دریافت خلعت و نشان نایل آمد

۱ - کتاب اندیشه ترقی و حکومت قانون ۶۸ - انجمنهای سری ۱۸۱ - مرآت

البلدان ج ۳ ص ۳

۲ - روزنامه دموکرات ایران - ۶۱۵ - سال ۱۳۲۷

و اخیراً نیز در یکی دو ماه و دریت شایستگی خود را نشان داده بود ناصرالدین شاه اورا بوزارت جنگ گمارد و برای فرو نشانیدن شورش ترکمنان به استرآباد فرستاد و در ۲۵ شوال ۱۲۸۱ (۱۸۵۳ م .) با قرار دادن در رأس وزرای سه گانه و سپس صدور فرمان به مسند صدارت نشاند . روش او در اندک مدت رجال و در باریان را برانگیخت ، همه دشمنان داخلی و خارجی مردم جبهه محکمی علیه او پدید آوردند شاه نیز چون اورا در نباله رومیر کبیر یافت پانزده ماه بعد ابتدا در ۲۸ محرم ۱۲۸۳ اختیارات اورا بیک وزارتخانه محدود و سپس اورا عزل میکند و در ربیع الاول ۱۲۸۳ بحکمرانی خراسان اعزام می شود .

یکی از وقایعی که باید در پیرامون آن به پژوهش گسترده و ژرفی پرداخت جنگ ایران و انگلیس در مسئله هرات است علل شکست ما با گرفتاری های سخت نظامیان انگلیس در هرات ناشی از خیانت گروهی از سرداران و سیاستمداران بود . بهمین جهت وقتی قرارداد پاریس بسته میشود انگلستان با ماده ۴ قرارداد این چنین خیانت کارگزاران خود را بیمه می کند :

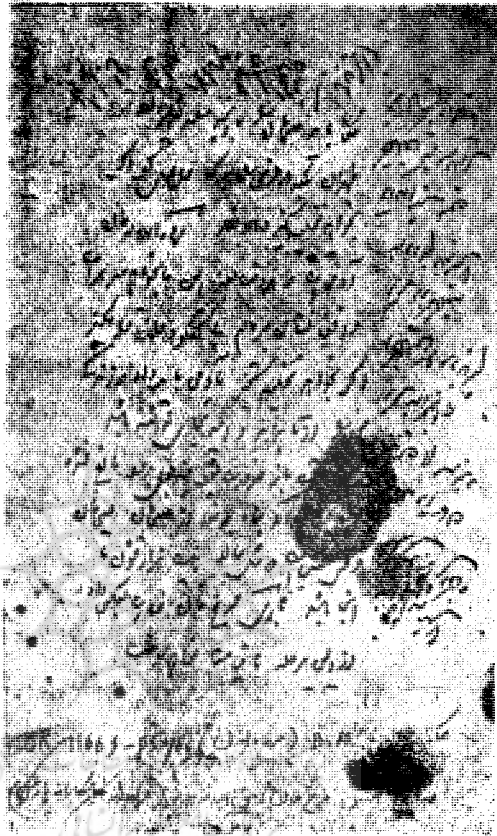
« اعلی حضرت شاهنشاه ایران تعهد می کند که بلافاصله بعد از مبادله امضای نامه های این قرارداد بایک عفو نامه کامل اعلام نماید که بواسطه آن جمیع رعایای ایران که در وقت جنگ به مراده خود با عساکر انگلیس مصدر خیانتی شده باشند از عقوبت این حرکت خود معاف باشند بطوری که هیچکس هر درجه که داشته باشد بجهت این حرکت خود مورد تنبیه و تادیب و تعدی نخواهد بود .»

ناصرالدین شاه : تا قیامت خواهم سوخت

فرخ امین الملک (ابوطالب غفاری) عاقد پول بگیر قرارداد آن چنان خیانت کار بزرگبست که نخست وزیر نابکار ناصرالدین شاه (اعتماد الدوله نوری) اورا خائن بوطن معرفی می کند : ناصرالدین شاه چنان از این خیانت ناراحت و دچار عذاب می گردد (۱) طبق اسناد موجود در (بریتیش میوزیوم) از اعماق روح فریاد رنج آور بیرون میدهد (از این مرحله تا قیامت خواهم سوخت - ۲) و به همین جهت همینکه سپهسالار به صدارت رسید او و کسانش را به کاشان تبعید کرد . استعمار با صدور این بیمه نامه خیانت بطور قطع همواره در تعقیب میهن پرستان و سردارانی بوده است که در این جنگ و در برابر عمال بیگانه به خدمتگزاری و جانپنازی پرداخته اند ، میرزا محمد خسان سپهسالار یکی از

سرداران این جنگ بود که بدست او گروهی از مهاجمان و اشغالگران انگلیسی
 یخاک مرگ افتادند بهنگام صدارت نیز دیدیم نوکران بیگانه بدست او تنبیه و تبعید
 شدند . بنا بر این استعمار هواره دنبال او بوده است تا کیفر خیانت را باو بچشاند .
 اعتماد السلطنه ، سپهسالار را زمامداری (نیک رفتار ، اهل مدارا ، خیر

خواه) و (از نیکان
 عالم) می شمارد مینویسد
 « مرد دولتی خواهی بود
 هیچک از وزراء و امرای
 ایران مثل او صدق دولت
 خواهی نداشتند » .
 آدم میهن پرست در
 هر شرایط کار ، بزرگ
 و کوچک صدارت یا والی
 گری از فعالیت ملی باز
 نمیاستد ، تساریخ نشان
 می دهد او قدرت حکومت
 مرکزی و دولت را در تمام
 خراسان و نقاط سرحدی
 گسترش می دهد خوانین
 را در برقیه قدرت درمی آورد
 و باتشویق سرداران ملی
 چون سرتیب اللهیار خان
 در گزی ایلنار چیان قراقوم
 را بجای خود می نشاند و
 خوانین سیستان را قرامانیر دار



می کند . اعتماد السلطنه مینویسد : (در عصر خود تالی نداشت نظمی بسزا داد
 چندان بذل و ایثار کرد ، درم و دینار داد که اهل خراسان با او فدوی شدند
 سرکردگان خراسان و رئیس عشایر ترکمان از او امر او اطاعت می کردند و
 بیک اشاره حاضر بخدمت می شدند) ، این کارها در کنار مرز هند درست در
 جهت مخالف دیپلوماسی بریتانیا بود ، انگلستان ایران را بهم ریخته و آشفته
 زبون و ناتوان بویژه خراسان را دستخوش شورش و آشوب و خوانین و رجال
 را آلت دست خود میخواست تا در برابر اوضاع خاص جهان و بویژه خاورمیانه
 و عملیات ترکها و قدرت روسها بتواند حدود و ثغور هند را بخوبی استوار سازد .